



بخش آخر

تفاسیر و روش‌های تفسیر

عمران ضیایی‌نیا

مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیة قرآن

اشاره

در این شماره به آخرین بخش معرفی روش‌های تفسیری می‌پردازیم. قبلاً با روش‌های تفسیری مختلف آشنا شدید.

تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)

چاپ‌های این تفسیر و نسخه‌های خطی آن:

- چاپ سنگی در سال‌های ۱۲۶۸، ۱۳۱۳ و ۱۳۱۵ هـ.ق در حاشیه تفسیر قمی چاپ می‌شده است.
- آخرین چاپ آن در سال ۱۴۰۹ هـ.ق توسط «مؤسسه المهدی قم» چاپ شده و مشتمل بر ۷۳۳ صفحه همراه ضمیمه‌ای توسط آقای استادی است.
- نسخه‌های خطی این کتاب نزد علما و کتابخانه‌ها خیلی زیاد دیده شده (حتی قریب به ۱۰ مورد) و در مقدمه تفسیر یادآوری شده است.

توثیقات کتاب:

- **شیخ صدوق** در کتاب «من لایحضره الفقیه» که روایاتش را حجت بین خود و خدا می‌داند و در دیگر کتاب‌هایش، از این تفسیر روایت کرده است.
- **ابو منصور طبرسی**، صاحب «احتجاج» می‌گوید: روایت‌های امام حسن عسکری (ع) را مسند نقل می‌کنم، چون این کتاب تفسیر شهرت کتاب‌های دیگر را ندارد.
- **ابن شهر آشوب** در «مناقب»، **شهید ثانی** در «منیة المرید»، **علامه مجلسی** در کتاب «بحار الانوار»، **شیخ حر عاملی** در «وسائل الشیعه»، **فیض کاشانی** در کتاب «شریف صافی»، **سید عبد الشید**، **شیخ انصاری** و **علامه طهرانی دارالغرر** «سعه» از این تفسیر نقل کرده‌اند.

در باب تفسیر منسوب به امام حسن

عسکری (ع)

۱. آیت‌الله العظمی **سید ابوالقاسم خوئی**، به‌خاطر مجهول بودن **محمد بن سیار ابویوسف** فرموده است: «مع ان الناظر فی هذا التفسیر لایشک فی انه موضوع و جل مقام عالم محقق ان یکتب مثل هذا التفسیر فکیف بالامام»
۲. مرحوم **آیت الله شعرانی** از قول مرحوم **علامه حلی** نقل می‌کند که این کتاب موضوع است و مرحوم طبرسی هم از آن نقلی نکرده است و اغلاطی هم دارد.
۳. **شیخ محمد شوشتری** ۴۰ مورد ضعیف در این تفسیر پیدا کرده است.
۴. **شیخ محمد صدر بلاغی**، صاحب «تفسیر الاء الرحمان» فرموده مکذوب و موضوع است.

۵. مرحوم **علامه حلی** در «خلاصه الاقوال» و عده‌ای به پیروی از او آن را معتبر ندانسته‌اند.
۶. **ابن غضائری** اولین کسی است که از این کتاب بدگویی کرده.

ادله نافیین: ۱. شهادت متن کتاب؛ ۲. تضعیف ابن غضائری؛ ۳. عدم توثیق روات.

جواب: اگر چند مورد اشکالی در متن بود، همه را نمی‌شود مکذوب دانست. اگر غضائری بدگویی کرده، مرحوم **شیخ صدوق** قبلاً نقل کرده است و اگر روات مجهول هستند، روایت می‌شود ضعیف اصطلاحی که روایات آن باید ارزیابی شوند.

نتیجه: «فتحصل ان لادلیل علی الوضع کلیة و لا الصدور من المعصوم کلیة بل متحصل امر بین الامرین.» یعنی این کتاب همه روایاتش معتبر نیست و همه روایاتش غیر معتبر هم نیست بلکه هم دارای احادیث معتبر است و هم احادیث غیر معتبر که باید با دقت و تحقیق از یکدیگر متمایز و جدا شوند. آقای استادی فرموده این کتاب از حیث اعتبار در درجه دوم و سوم قرار گرفته است که نه همه‌اش مقبول و نه همه مردود است.

سبب تعلیم تفسیر منسوب به امام حسن

عسکری (ع)

در مقدمه این کتاب سبب و کیفیت نوشتن این تفسیر بیان شده است. **شیخ صدوق** از **ابوالحسن محمد بن القاسم المفسر الاسترآبادی** نقل کرده است که دو

نوجوان به نام‌های **ابو یعقوب یوسف بن محمد بن زیاد و ابوالحسن علی بن محمد بن سیار** از استرآباد به علت فشار زیدیه به خدمت امام رسیدند و آن حضرت این تفسیر را در مدت هفت سال بر آن‌ها املا فرمود؛ از سال ۲۵۴ تا ۲۶۰، یعنی سال شهادت حضرت امام حسن عسکری (ع).

خطیب استرآبادی می‌گوید: «این دو نوجوان از شیعیان و امامیه بودند. حضرت به آن‌ها پناه داد و فرمود: مرحباً بالاولین الینا الملتجی الی کنفنا قد تقبل الله سعیکما و آمن روعکما...»
حضرت امام حسن عسکری به پدران این دو نوجوان امر کرد که آن‌ها را پیش حضرت بگذارند و آن‌ها هم قبول کردند. حضرت فرمود: «ذا اتاکما خبر کفایة الله عز و جل ابویکما و اخزائہ اعدائہا و صدق و عدی ایہما جعلت من شکرالله عزوجل ان افیدکما تفسیر القرآن.»

حاکم استرآباد به سعایات زیدیه مردم را به قتل می‌رساند، تا اینکه بر اثر شکایت، یکی از شیوخ زیدیه را به قتل رساند و مردم از اطراف اعتراض کردند. بعد از آن به هیچ مذهبی تعرض نمی‌کرد؛ از جمله امامیه. حتی پیغام فرستاد که این دو نفر در امان هستند و این خبر به امام حسن (ع) رسید. حضرت شروع به تفسیر کردند: «فاول ما املی علینا احادیث فی فضل القرآن و اهله ثم املی علینا التفسیر بعد ذلک فکتبنا فی مده مقامنا عنده و ذلک سبع سنین نکتب فی کل یوم مقدار ما ننشط له فکان اول ما املی علینا نکتب...»
علینا و کتبنا **قال الامام (ع)**:

۱. فضل القرآن
۱. حدثنی ابي علی بن محمد، عن ابيه محمد بن علی عن ابيه علی بن موسی، عن ابيه موسی بن جعفر عن ابيه جعفر بن محمد الصادق، عن ابيه الباقر محمد بن علی عن ابيه علی بن الحسین زین العابدین عن ابيه الحسین بن علی سید المستشهدین عن ابيه امیر المؤمنین و سید الوصیین، و خلیفة رسول رب العالمین، و فاروق الامة، و باب مدینة الحکمة، و وصی رسول الرحمة «علی بن ابي طالب» صلوات الله علیهم عن رسول رب العالمین، و سید المرسلین، و قائد الغر المحجلین و المخصوص بأشرف الشفاعات فی یوم الدین صلی الله علیه و آله أجمعین.
قال: حملة القرآن المخصوصون برحمة الله، الملبسون نور الله المعلمون ۴۷ کلام الله، المرَبون عند ۴۸ الله، من والاهم فقد و الی الله، و من عاداهم فقد عادی الله و یدفع ۴۹ الله عن مستمع القرآن بلوی الدنيا، و عن قارئه بلوی الآخرة.

۲. تفسیر نور الثقلین
مؤلف: شیخ عبدالعلی حویزی (متوفی ۱۱۱۲ هـ.ق)
او در آغاز می‌گوید: «تفسیر به سبک‌های گوناگون نوشته شده بود ولی تفسیری که فقط به روایات اکتفا

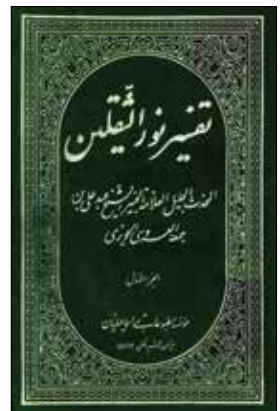
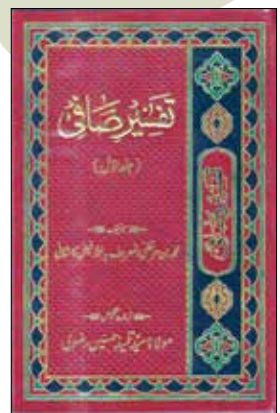
نوجوان به نام‌های **ابو یعقوب یوسف بن محمد بن زیاد و ابوالحسن علی بن محمد بن سیار** از استرآباد به علت فشار زیدیه به خدمت امام رسیدند و آن حضرت این تفسیر را در مدت هفت سال بر آن‌ها املا فرمود؛ از سال ۲۵۴ تا ۲۶۰، یعنی سال شهادت حضرت امام حسن عسکری (ع).

خطیب استرآبادی می‌گوید: «این دو نوجوان از شیعیان و امامیه بودند. حضرت به آن‌ها پناه داد و فرمود: مرحباً بالاولین الینا الملتجی الی کنفنا قد تقبل الله سعیکما و آمن روعکما...»
حضرت امام حسن عسکری به پدران این دو نوجوان امر کرد که آن‌ها را پیش حضرت بگذارند و آن‌ها هم قبول کردند. حضرت فرمود: «ذا اتاکما خبر کفایة الله عز و جل ابویکما و اخزائہ اعدائہا و صدق و عدی ایہما جعلت من شکرالله عزوجل ان افیدکما تفسیر القرآن.»

حاکم استرآباد به سعایات زیدیه مردم را به قتل می‌رساند، تا اینکه بر اثر شکایت، یکی از شیوخ زیدیه را به قتل رساند و مردم از اطراف اعتراض کردند. بعد از آن به هیچ مذهبی تعرض نمی‌کرد؛ از جمله امامیه. حتی پیغام فرستاد که این دو نفر در امان هستند و این خبر به امام حسن (ع) رسید. حضرت شروع به تفسیر کردند: «فاول ما املی علینا احادیث فی فضل القرآن و اهله ثم املی علینا التفسیر بعد ذلک فکتبنا فی مده مقامنا عنده و ذلک سبع سنین نکتب فی کل یوم مقدار ما ننشط له فکان اول ما املی علینا نکتب...»
علینا و کتبنا **قال الامام (ع)**:

۱. فضل القرآن
۱. حدثنی ابي علی بن محمد، عن ابيه محمد بن علی عن ابيه علی بن موسی، عن ابيه موسی بن جعفر عن ابيه جعفر بن محمد الصادق، عن ابيه الباقر محمد بن علی عن ابيه علی بن الحسین زین العابدین عن ابيه الحسین بن علی سید المستشهدین عن ابيه امیر المؤمنین و سید الوصیین، و خلیفة رسول رب العالمین، و فاروق الامة، و باب مدینة الحکمة، و وصی رسول الرحمة «علی بن ابي طالب» صلوات الله علیهم عن رسول رب العالمین، و سید المرسلین، و قائد الغر المحجلین و المخصوص بأشرف الشفاعات فی یوم الدین صلی الله علیه و آله أجمعین.
قال: حملة القرآن المخصوصون برحمة الله، الملبسون نور الله المعلمون ۴۷ کلام الله، المرَبون عند ۴۸ الله، من والاهم فقد و الی الله، و من عاداهم فقد عادی الله و یدفع ۴۹ الله عن مستمع القرآن بلوی الدنيا، و عن قارئه بلوی الآخرة.

والذي نفس محمد بیده، لسماع آية من کتاب الله عز و جل - و هو معتقد أنّ المورد له عن الله تعالی: محمد، الصادق فی کل أقواله، الحکیم فی کل أفعاله



کند نبود. لذا این تفسیر را تنظیم کردم که فقط روایت است.»

این تفسیر در پنج جلد چاپ شده است. آیه را مطرح می‌کند و اگر روایتی ذیل آن باشد می‌آورد. اگر هم روایتی نداشته باشد، از آن آیه بدون هیچ توضیح می‌گذرد.

تفاسیر روایی که تا به حال یاد شد (فرا، قمی و عیاشی)، اگر همه دنبال هم چاپ شوند، نصف نور الثقلین بیشتر نیست و تمام آن‌ها غیر از تفسیر امام (ع) در نور الثقلین آمده است. این نشان می‌دهد که مؤلف نور الثقلین به این کتب اکتفا نکرده، بلکه تقریباً یک دوره کتب روایی موجود و در دسترس را مطالعه کرده و در هر جا روایتی با آیه مناسب بوده، استخراج کرده و ذیل آیه آورده است. برخلاف کتاب صافی که هم تفسیر است و هم روایت، این تفسیر فقط روایت است و شاید عقیده مؤلفش این بوده است که نباید خود ما آیات را تفسیر کنیم بلکه باید به روایات مفسره اکتفا نماییم.

این تفسیر خیلی مورد علاقه علامه طباطبایی (ره) بود. شاید ۹۵ درصد بحث‌های روایی «المیزان» - روایت‌های شیعی - از این تفسیر باشد. مرحوم علامه (ره) ظاهراً رسمش این نبود که به کتب متفرق روایی مراجعه کند، بلکه فقط به این کتاب و احیاناً تفسیر برهان رجوع می‌کرد.

۳. تفسیر برهان

مؤلف: مرحوم سیدهاشم بحرانی (متوفی به سال ۱۱۰۹ ه.ق)

وی معاصر صاحب «نور الثقلین» است. افراد متعددی نیاز به تفسیر و خلأ آن را حس کردند و همه با هم در یک زمان مشغول شدند، در حالی که از کار هم خبر نداشتند.

مرحوم فیض (ره)، مرحوم حویزی (ره) و مرحوم بحرانی (ره) به‌طور جداگانه مشغول این کار شدند. چرا که در آن زمان روایت و حدیث در اوج اهمیت قرار داشت و مجلسی و پدرش (ره) به حدیث خیلی اهمیت می‌دادند. علما و طلبه‌ها می‌پرسیدند: «چرا تفاسیر ما خالی از روایات است؟»

ولی هر کدام سبک خاص خود را داشتند. صافی آن سبک را داشت که هم تفسیر باشد هم روایت. نور الثقلین فقط روایت نقل می‌کرد، و از کتب تفسیری (غیر از تفسیر امام) و نیز از کتب اربعه نقل می‌کرد. «تفسیر برهان» مثل «نور الثقلین» است با این تفاوت که از تفسیر امام (ع) هم استفاده کرده است. اینکه می‌گویند بین تفسیر برهان و نور الثقلین عموم و خصوص من وجه است، سخن صحیحی است و هیچ کدام مکفی از دیگری نیست.

تفسیرهایی که نزد علمای ما به‌عنوان تفسیر روایی جا باز کرده‌اند، این دو تفسیرند. البته سابقه تفسیر

برهان بیشتر است. تفسیر صافی معمولاً مورد استفاده کسانی است که می‌خواهند تفسیر خوبی بگویند یا خودشان مطالعه کنند، ولی از مراجع روایی نیست. زیرا هرچه در صافی هست، در این دو تفسیر هم وجود دارد اما این دو تفسیر هیچ‌کدام جامع روایات دیگری نیست و باید به هر دو مراجعه کرد. «تفسیر برهان» حدود ۱۰۰ سال قبل از تفسیر نور الثقلین چاپ شده است.

۴. تفسیر شبر

مؤلف: سید عبدالله شبر (متوفی ۱۲۴۰-۱۲۴۰ ه.ق)
شبر از علمای بزرگ است و تألیفات زیادی دارد؛ مانند مرحوم مجلسی (ره). اما ایشان از کارهای مرحوم مجلسی (ره) خیلی استفاده کرده، در حالی که خود مرحوم مجلسی (ره) مبتکر بوده است. مثلاً مرحوم مجلسی «حق‌الیقین» را نوشته است. تفسیر شبر کتاب بسیار خوبی است که بعضی گفته‌اند ترجمه گونه‌ای است از حق‌الیقین مرحوم مجلسی (ره).

سید عبدالله شبر «زاد المعاد» و «تحفة الزائر» را به رشته تحریر درآورده است و رساله‌های گوناگونی دارد که به‌نظر می‌رسد برای تألیف آن‌ها از کارهای علامه مجلسی (ره) استفاده کرده است. نیز کتابی مثل کتاب بحار دارد. در شرح حال او آمده که در خواب، امام کاظم (ع) قلمی را به دستش داد. و فرمود: «بنویس...» از این نظر قلمش برکت پیدا کرد. زیرا انسان بر فرض که بخواهد از کتب موجود در دسترس جمع‌آوری کند، مگر می‌تواند بدون عنایات خاصه این همه کار کند.

از جمله تألیفاتش سه تفسیر است: صفة التفاسیر، الجواهر الثمین و التفسیر الوجیز. سومی که بسیار تفسیر خوبی است، تاکنون چندبار چاپ شده است. چاپ اول در تهران و چاپ دوم آن در مصر انجام گرفته است. در چاپ دوم یک دانشمند سنی، مقدمه‌ای بر آن نوشته است تا از این راه، این تفسیر بین اهل تسنن هم رواج پیدا کند. سید نصرالله تقوی که از دانشمندان بنام است، می‌گوید: «با جرئت می‌گویم که از بین ۳۰ تفسیری که مطالعه کرده‌ام، این تفسیر در عین کم حجم بودن از همه بهتر است.»

واقعاً هم همین‌طور است. خلاصه تمام تفاسیر را آورده است. اگر کسی به صافی، برهان و نور الثقلین مراجعه و خلاصه‌گیری کند و بعد به تفسیر شبر مراجعه کند، می‌بیند قبلاً او این کار را انجام داده است. تفسیر «الجواهر الثمین» هم چند سالی است در بیروت چاپ شده است. حدود دو برابر تفسیر الوجیز است. صفة التفاسیر چند برابر تفسیر الوجیز است و نسخه خطی آن در کتابخانه‌ها موجود است.

تذکره: معرفی تفاسیر نور الثقلین، برهان، صافی و شبر از کتاب «آشنایی با تفاسیر» آقای استادی، صفحه‌های ۷۷-۷۲ اخذ شده است.

